

تبیین رابطه رسانه و تحولات اجتماعی و سیاسی معاصر جهان عرب (با تاکید بر بیداری اسلامی)

دکتر رضا التیامی نیا* / بهنام رشیدی زاده**

چکیده

امروز، بحث رابطه فناوری‌های نوین رسانه ای و جنبش‌های انقلابی خاورمیانه در ابعاد گوناگون خود توجه زیادی را برانگیخته است. ویژگی‌هایی چون نظارت‌پذیری کمتر و احساس امنیت و آزادی بیشتر، تعاملی بودن، رهایی از قید مکان و زمان، انعطاف‌پذیری هویتی، ارزانی نسبی و... رسانه‌های جدید و بخصوص اینترنت را به ابزارهای دارای پتانسیل برای تعریض و تقویت حوزه عمومی تبدیل کرده است. بخش اعظم محتوای تولید شده توسط انقلابیون در فرایند بیداری اسلامی با استفاده از رسانه اجتماعی صورت گرفت. فناوری‌های جدید با مرزها مقابله می‌کنند و یک صدای آلترناتیو برای خروجی‌های رسانه سنتی که تنها سیاست‌ها و دیدگاه‌های رسمی حکومتی را منعکس می‌کنند فراهم می‌آوردند و فرصت‌های گرانبهایی برای بسیج عمومی فراهم می‌کنند. این مقاله به دنبال بررسی نقش رسانه در شکل‌گیری و تداوم تحولات اجتماعی و سیاسی خاورمیانه است. همچنین به بررسی تاثیرات احتمالی این تغییرات بر سیاست‌ها، دولت و جوامع منطقه می‌پردازد و نیز پیامدهای این تغییرات را برای سیاست‌سازان منطقه خاورمیانه بررسی می‌کند. روش تحقیق مورد نظر در این مقاله، کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی است.

کلید واژه‌ها

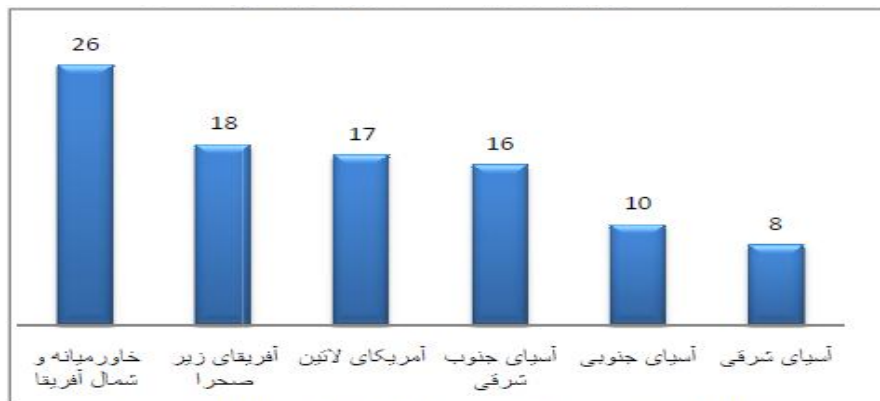
رسانه، بیداری اسلامی، خاورمیانه، تحولات معاصر.

eltyam81@yahoo.com
behnam.rashidizade@gmail.com

* عضو هیات علمی و استادیار جغرافیایی سیاسی، دانشگاه یاسوج
** دانشجوی دکترای علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

مقدمه

خاورمیانه در دهه‌های جدید آستان تحولات بیشمار بوده است. زمینه‌های پیدایش خیزش‌های اسلامی در این منطقه متعدد هستند. بی‌اعتنایی به باورها و ارزش‌های اسلامی مردم و فرسودگی نظام اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه و تحقیر تمدن و ارزش‌ها و گذشته مردم منطقه، استبداد و نبود عدالت اجتماعی و بیکاری از جمله دلایلی است که می‌توان به‌عنوان عوامل مهم شکل‌گیری تحولات اجتماعی و سیاسی خاورمیانه اشاره کرد. میزان بیکاری و دموکراسی سازی (مردم سالاری) در این منطقه وسایر مناطق جهان در نمودار ۱ و جدول ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱- مقایسه نرخ بیکاری جمعیت جوان در جهان در سال ۲۰۰۵

جدول ۱-رتبه بندی مناطق جهان از لحاظ میزان دموکراسی

منطقه	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۱۰
آمریکای شمالی	۸/۶۴	۸/۶۴	۸/۶۳
اروپای غربی	۸/۶۰	۸/۶۱	۸/۴۵
اروپای شرقی	۶/۳۷	۶/۴۳	۶/۳۷
آمریکای جنوبی	۵/۷۶	۵/۶۸	۵/۵۵
آسیا و استرالیا	۵/۴۴	۵/۵۸	۵/۵۳
آفریقا	۴/۲۴	۴/۲۸	۴/۲۳
خاورمیانه و شمال آفریقا	۳/۵۳	۳/۵۴	۳/۴۳

Source: economist intelligence unit, ۲۰۱۰

اغلب مطالعاتی که نقش‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی رسانه را مورد تحلیل قرار داده‌اند بر کارکرد آن در تغییرات اجتماعی، بسیج و کنترل اجتماعی متمرکز شده‌اند. از دهه ۱۹۶۰، خصوصاً از زمان پیدایش جنبش‌های حقوق بشری در جهان، توجه بیشتری به بازنمایی گروه‌های اجتماعی مختلف در رسانه‌های جدید مبذول شده است. نظریه پردازان که تحت تاثیر و نفوذ نظریه‌های ساختارگرایانه در شکل‌گیری هویت بودند دریافته‌اند که رسانه نقش محوری را در ساخت هویت‌ها (تمایزها) اجتماعی دارد و نیز نقش مهمی در تغذیه برخوردهای اجتماعی دارند. در نتیجه، بازنمایی یا نمایندگی گروه‌های اجتماعی مختلف در رسانه، تعداد زیادی از محققان را به خود مشغول ساخته است. به علاوه نقش رسانه در شکل‌گیری شیوه‌هایی که در آن مردم به واقعیت‌های اجتماعی خودشان نگاه می‌کنند کانون مطالعات بسیاری شده است. فقدان بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی و کلیشه‌ای رفتار کردن با گروه‌های اجتماعی در رسانه‌های جمعی به‌عنوان منبع اصلی نابرابری و نیز یک عامل مهم در حفظ و استمرار نابرابری و اختلافات اجتماعی بدل شده است. محققان بسیاری به دنبال نشان دادن رابطه میان بازنمایی مردم و نژاد پرستی، تبعیض و به حاشیه راندن مردم بوده‌اند. در سال‌های اخیر مطالعه الگوهای مصرف رسانه ای و اقناع مخاطب به کمک محتوای رسانه‌ای موضوع بسیاری از پژوهش‌ها بوده است. قدرت فزاینده رسانه‌ها در شکل‌گیری حوزه عمومی و دستورالعمل‌های سیاسی، سوالات بسیاری را در زمینه مصرف رسانه، خصوصاً اهمیت آن در جوامع متشکل از گروه‌های متنوع به لحاظ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مطرح نموده است. رابطه میان فرهنگ رسانه و تنوع اجتماعی - فرهنگی کلید مهمی در درک پویای سیاسی در جوامع چند فرهنگی و ملت‌هپ خاورمیانه است. نفوذ روزنامه‌هایی که مردم می‌خوانند، برنامه‌های رادیویی که به آن‌ها گوش فرا می‌دهند و شبکه‌های تلویزیونی که آن‌ها تماشا می‌کنند بسیار فراگیر و گسترده شده است. عواملی که بر الگوهای مصرف رسانه تاثیر می‌گذارد و تاثیر مصرف رسانه به‌طور خاص کانون توجه این مقاله است. فرض مهم این است که الگوهای مصرف رسانه با جهان‌بینی گروهی و فردی، ملاحظات فرهنگی و منافع سیاسی پیوستگی و ارتباط دارند. الگوهای مصرف، محتوایی که مصرف می‌شوند و زمان‌های مصرف و درجه اقناع و اتکا به رسانه همه منبع اطلاعات و معیار مهم سنجش هویت‌های مصرف‌کنندگان یا مخاطبان رسانه‌ای است. رفتار ارتباطی و مصرف رسانه‌ای به‌عنوان شاخص‌های مهم سازماندهی مصرف‌کنندگان و بهره‌برداری از زمان است. تحولات فناوری و رسانه به‌عنوان یک نهاد مسلط اجتماعی همه نفوذ عوامل و نهادهای

اجتماعی سنتی نظیر خانواده و دیگر عوامل جدید نظیر احزاب سیاسی را کاهش داده است (Jamal, 2009:32-40).

سه روند در تکامل و شکل‌گیری هویت‌های سیاسی و اجتماعی سهیم هستند که این‌ها از مرزهای فرهنگی - اجتماعی فراتر می‌روند. نقش واسطه‌گری رسانه‌ها، روابط اجتماعی را تغییر داده و به تقویت گروه‌های اجتماعی منجر شده که محتوای رسانه را به ضرر و به قیمت تضعیف سایر گروه‌های اجتماعی کنترل می‌کنند. به همین دلیل این وضعیت به خوبی تبیین می‌کند که چرا موضوع چه کسی رسانه را کنترل می‌کند و چه محتوایی گروه‌های مختلف اجتماعی مصرف می‌کنند، مهم است. از این رو تحلیل و درک الگوهای مصرف می‌تواند نشان دهد که چطور گروه‌های اجتماعی مختلف روابط خود را با محیط اطراف خود شکل می‌دهند. مصرف و اقتناع رسانه‌ای همچنین شاخص‌هایی را فراهم می‌کند که نشان می‌دهد چطور مصرف کنندگان یا مخاطبان رسانه با بازیگران فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در محیط خود ارتباط برقرار می‌کنند. لذا الگوهای مصرف رسانه بر فضای فردی و فرهنگی افراد تاثیر می‌گذارد. از این رو توصیف و درک این الگوها از ویژگی‌های مهم تحقیقات اجتماعی و سیاسی در همه جوامع می‌باشد. رفتار جمعی و الگوهای مصرف رسانه‌ای می‌توانند عوامل فرهنگی را به ابزارهای سیاسی محوری برای دستیابی به هویت جمعی تبدیل کنند. بر این اساس تحقیق حاضر درصدد بسط این فرض است که در شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی کنونی در شمال آفریقا و خاورمیانه و هدایت و موفقیت آن‌ها، رسانه‌های دیداری و شنیداری نقش برجسته‌ای داشته و به عنوان یک متغیر ژئوپلیتیکی به مناسبات سیاسی و راهبردهای دولت‌ها و ملت‌ها جهت داده‌اند.

گفتار اول: ادبیات نظری تحقیق

به باور استاد اسپانیایی مانوئل کاستلز «جامعه شبکه‌ای، محصول همگرایی سه فرایند تاریخی مستقل است. این سه فرایند عبارتند از انقلاب اطلاعاتی که ظهور جامعه شبکه‌ای را امکان‌پذیر ساخت، تجدید ساختار سرمایه‌داری و اقتصاد متکی به برنامه‌ریزی متمرکز از دهه ۱۹۸۰ میلادی» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۵). انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط همزاد افراد در نقاط مختلف، عملاً فواصل زمانی را از میان برداشته است. کارایی مکان نیز به نوبه خود با مفهوم دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات و ابزار انتقال و پردازش آن ارتباط پیدا کرده و به این اعتبار حضور در مکان معنای تازه‌ای به خود گرفته است، به نحوی که

می‌تواند تعیین کننده ارتباط و اتصال شخص به جامعه شبکه‌ای و یا طرد و حذف او از این مکان فراگیر و در عین حال انحصاری به شمار آید (Taylor, 2000:5). یک ساختار اجتماعی مبتنی بر شبکه، سیستم بسیار باز و پویایی است که بدون اینکه توازنش با تهدیدی رو به رو شود توانایی نوآوری دارد. شبکه‌ها ابزار مناسبی برای فعالیت‌های مختلف مثل اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر نوآوری، جهانی شدن و تراکم غیرمتمرکز، برای کار، کارگران و شرکت‌های متکی بر انعطاف‌پذیری، برای فرهنگ متکی بر ساخت شکنی و نیز برای سازماندهی اجتماعی که در پی الغای مکان و زمان است دارند. کلیدهایی که این شبکه‌ها را به یکدیگر متصل می‌کنند ابزار ممتاز قدرت هستند. بنابراین صاحبان قدرت کسانی هستند که این کلیدها را در دست دارند. در ارتباط پایین به پایین، که با گسترش شبکه تکنولوژی اطلاعات در جهان به وجود آمده است. مردم بی‌شماری از ساکنان کلان شهرها و حتی روستاها و شهرهای کوچک از طریق شبکه‌های ارتباطی در بستر شبکه‌های اجتماعی و گروهی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و با انتقال دانش، تجارب و حتی روش زندگی یکدیگر را متاثر می‌سازند. نتیجه این وضعیت باعث می‌شود تا دولت‌ها کمتر بتوانند افکار، عقاید، تجارب و گردش دانش را کنترل و مدیریت نمایند. هر چند تاکنون تلاش‌های گسترده‌ای شده تا دولت‌ها بتوانند با کنترل شبکه‌های تکنولوژی اطلاعات فشار از پایین را کمتر سازند اما به همان نسبت نیز تکنولوژی از نوآوری و پیچیدگی‌های گسترده‌ای برخوردار می‌شود که هر روز بر چالش‌های پایین به بالای دولت‌ها می‌افزاید.

هسته قلمرو رسانه بر بنیاد کارکرد تصویرپردازی قرار دارد که متاثر از آن، به باورپذیری، مفهوم سازی و تبیین الگوهای فکری و انسجام بخشی به نظام معنی به منظور ارتقاء سطح معرفت عمومی مبادرت می‌ورزد (گینبر، ۱۳۸۱: ۱۳۴). امروز جامعه انسانی در متن و بطن یک فرایند رسانه‌ای شدن فزاینده زندگی می‌کند و انسان‌ها در محیطی رسانه‌ای به سر می‌برند. این محیط رسانه‌ای ساختاری چند لایه‌ای را به وجود آورده است که غالباً نمودهای فرهنگی و سیاسی را به همه تنوع و گوناگونی آنها در قلمرو خود جای می‌دهد. رسالت رسانه، ذهنیت‌سازی، انگاره‌پردازی، گفتمان سازی و تولید قدرت است. در جهانی که به طور فزاینده پیچیده‌تر می‌شود و در جایی که پیشامدها و رخداد‌های دور دست پُر اهمیت می‌شوند. انسان سیاسی برای معنا کردن جهان به رسانه‌ها وابسته می‌شوند. همچنین رسانه‌ها از رهگذر انتقال ارزش‌ها و به چالش کشاندن ایدئولوژی حاکم، گسترش و انتقال اخبار و اطلاعات در جامعه

وارائه واقعیت‌ها به اشکال خاص، در شکل‌دهی به آگاهی عمومی نقش می‌آفرینند. رسانه‌ها ابزاری برای ایده پردازی و فرایندی برای تفسیر ایده‌ها، اندیشه‌ها و باورها هستند که تبادل نظر میان پیام گیران و پیام رسانان را امکان‌پذیر می‌کند (بورن، ۱۳۷۹: ۲۷۰).

رسانه‌ها از نظر اعمال قدرت و کنترل رفتارها و مناسبات اجتماعی، مولفه جدیدی از قدرت سیاسی جوامع تلقی می‌شوند. مولفه‌ای که با تصویرسازی‌های متنوع خود، می‌تواند جریان قدرت را در جوامع تغییر دهد (تامپسون، ۱۳۸۰: ۸۹). تصورات ژئوپلیتیکی ادراک و ذهنیتی هستند که اشخاص، نهادها و بازیگران سیاسی از موقعیت، ویژگی‌ها و محتوای فضای جغرافیایی دارند. دولتها به‌عنوان بزرگترین بازیگران سیاسی، سیاست‌ها و الگوهای رفتاری خود نسبت به یک فضا را بر اساس تصور ژئوپلیتیکی شکل می‌دهند. به‌طوری‌که عمل سیاسی یک کشور نسبت به کشور دیگر ناشی از تصور ژئوپلیتیکی آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۴۴). رسانه‌های شنیداری و دیداری همانند فیلم، مجله، موسیقی و هنر از منابع شکل‌گیری تصورات ژئوپلیتیکی کشورها هستند (دادس، ۱۳۸۴: ۱۵۰). در این میان تحولات سیاسی- اجتماعی اخیر میان کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا، جدیدترین نوع جنبش‌های اسلامی هستند. این جنبش‌ها در پاسخ به ناکارآمدی نظام‌های اقتدارگرا و در چارچوب مسائل سیاسی این جوامع شکل گرفتند. در این میان، رسانه‌های نوین در قالب فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در تسهیل فروپاشی نظام‌های فاسد و مستبد عربی، حفظ ارتباط اعضاء و همچنین هدایت و شکل‌گیری جنبش بسیار کارآمد ظاهر شده‌اند. در بسیاری از موارد روزهای اوج اعتراضات، با نام روز خشم توصیف شد. طی این مدت جوانان خشمگین عرب توانستند با بهره‌گیری از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در سازمان‌دهی فعالان بیداری اسلامی نقش اساسی ایفا کنند.

جدول ۲- تحولات کشورهای عربی طی بیداری اسلامی

تاریخ رویداد	کشور	نوع اعتراضات	پیامد
۱۸ دسامبر ۲۰۱۰	تونس	خودسوزی محمد پوعزیزی آغاز اعتراضات خیابانی	فرار زین العابدین بن علی و سقوط حکومت و برگزاری انتخابات سراسری
۲۸ دسامبر ۲۰۱۰	الجزایر	تظاهرات خیابانی	پایان قانون شرایط اضطراری از سوی رئیس جمهور
۱۳ ژانویه ۲۰۱۱	لیبی	اعتراض به فساد و شرایط مسکن	شرق لیبی به دست مخالفان افتاد که نبردی شش ماهه تا سقوط قذافی را به دنبال داشت
۷ ژانویه ۲۰۱۱	اردن	تظاهرات خیابانی	تغییر هیئت دولت اردن
۱۷ ژانویه ۲۰۱۱	عمان	تظاهرات خیابانی	افزایش حقوق و دستمزدها و اصلاحات سیاسی توسط سلطان قابوس
۱۴ ژانویه ۲۰۱۱	یمن	اختلاف در داخل حکومت علیه رئیس جمهور	پس از ۱۰ ماه اعتراض‌های خونین مردمی در یمن علی عبدالله صالح با کناره‌گیری از قدرت موافقت کرد و دولت وحدت ملی در این کشور برای دوره انتقالی شکل گرفته است.
۲۱ ژانویه ۲۰۱۱	عربستان	اعتراضات خیابانی و خودسوزی و کشته شدن معترضان	پلیس بلافاصله تظاهرات را متوقف و ۳۰ تا ۵۰۰ نفر را دستگیر کرد. شروع اعتراضات در منطقه شیعه نشین قطیف و محدودیت‌های گسترده امنیتی و اجتماعی در سراسر کشور.
۲۵ ژانویه ۲۰۱۱	مصر	اعتراضات و قیام ملی	سقوط حکومت حسنی مبارک و پیروزی انقلاب مصر، برگزاری انتخابات مجلس
۲۶ ژانویه ۲۰۱۱	سوریه	تظاهرات خیابانی	فشارهای بین‌المللی بر حکومت سوریه
۲۰ ژانویه ۲۰۱۱	مراکش	خودسوزی و تظاهرات خیابانی	انجام اصلاحات سیاسی توسط رژیم پادشاهی مراکش و پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات مجلس
۱۰ فوریه ۲۰۱۱	عراق	خودسوزی و تظاهرات خیابانی	فشار بر دولت نوری مالکی برای رفع معضلات اقتصادی و سیاسی
۱۴ فوریه ۲۰۱۱	بحرین	تظاهرات سراسری	مقابله خشونت‌آمیز با تظاهر کنندگان و انزوای حکومت نزد مردم، تداوم اعتراضات مردمی

بخش عمده‌ای از سازماندهی رخداد‌های مربوط به جنبش‌های اسلامی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به شکل اعلامیه، فراخوان، اخبار، اطلاعات جنبش، چگونگی وضعیت نیروهای انقلابی و نیروهای دولتی، موقعیت‌های جغرافیایی-ارتباطی و پیام‌ها صورت گرفت. برای نمونه در یکی از شبکه‌های مجازی صفحه‌ای با عنوان «پروژه آماده سازی هواپیما برای هر رئیس جمهور» برپا شده بود که این طعنه‌ای به رهبران و دیکتاتورهای کشورهای عرب به‌شمار می‌رود. ابزارهای رسانه‌ای توسط انقلابیون مورد استفاده قرار گرفت. انقلابیون با بهره‌گیری از رسانه‌ای مختلف توانستند اهداف خود را به خوبی شناسایی کنند. در مصر، جوانی به نام خالد

سعید مشابه حادثه خودسوزی محمد بوعزیزی در تونس زمینه شکل گیری اعتراضات مردمی را فراهم کرد. خالد سعید یک تاجر جوان در اسکندریه بود که ۱۰ ژوئن ۲۰۱۰ به علت نپرداختن پول به دو مامور مصری در یک کافی نت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و بر اثر جراحات وارده کشته شد. اتهام او پخش فیلمی از فساد پلیس بر روی اینترنت بود. در این باره صفحه ای در شبکه‌های مجازی به یاد او با شعار ما همه خالد سعید هستیم توسط شخصی به نام الشهید که هیچکدام از فعالان مصری از هویت واقعی او اطلاعی نداشتند ایجاد شد که به رغم اختلال در اینترنت مصر، بیش از ۳۷۵ هزار نفر را به خود جلب کرد و نخستین اعلام همگانی برای حضور در روز جمعه خشم بر روی صفحه شبکه مجازی اعلام شد. معترضان به رغم انسدادی که دولت در فعالیت رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی ایجاد کرده بود توانستند اخبار آنلاین اعتراضات روز جمعه را منتشر کنند و لیست میدان‌هایی که باید معترضان اجتماع کنند را به آگاهی همه رسانند ([http:// goftomanedini com /showthread .php](http://goftomanedini.com/showthread.php)).

لذا می‌توان خیلی از این انقلاب‌ها را انقلاب رسانه ای نام نهاد رسانه‌ها با توجه به توان اقناعی خود می‌توانند نظام عقیده‌ای را در جامعه تعمیق و تحکیم کنند و یا بنیادهای ایدئولوژی مسلط آن را دچار تزلزل کنند. تجربه رسانه‌های گروهی در کشورهای خاورمیانه و در مقاطع مختلف، نشان‌دهنده تاثیرگذاری آن‌ها بر سوگیری سیاسی مردم درباره نظام سیاسی است.

گفتار دوم: یافته‌های تحقیق

الف) ارزیابی میزان اثرگذاری رسانه در تحولات معاصر شمال آفریقا

با توجه به پیشرفت و توسعه فناوری‌های پیشرفته نظیر اینترنت و تکنولوژی‌های قدیمی‌تر نظیر تلویزیون‌های ماهواره‌ای، دستگاه‌های چاپ و ویدئوکاست‌ها، امروزه افراد و گروه‌ها در خاورمیانه توانایی بیشتری برای تسهیم و به اشتراک گذاری ایده‌ها و نظرات خود نسبت به قبل دارند. این تغییرات در محیط اطلاعاتی منطقه، سبب ایجاد پیامدهای وسیعی برای جوامع و سیاست‌های منطقه شده است و نیز برای سیاست‌های آمریکا در منطقه پیامدهایی را به همراه داشته است. مباحث اطلاعاتی عمومی، توانایی بازیگرانی که در خارج از منطقه زندگی می‌کنند را برای نفوذ و تاثیرگذاری بر رویدادهای منطقه افزایش داده و نیز گسترش تصاویری از غرب، بسیاری از ایده‌ها و نظرات طولانی مدت و قدیمی را به چالش کشیده و سیاست‌های خاورمیانه را دگرگون ساخته است. این تغییرات احتمالاً سیاست آمریکا و احتمال زیاد، عملیات نظامی

آمریکا را پیچیده می کند و تحت تاثیر قرار خواهد داد. طرفداران پرشور انقلاب اطلاعات معتقدند که تکنولوژی‌های پیشرفته نظیر اینترنت باعث توانمندسازی فقرا و رهایی آن‌ها خواهد شد اما این احتمال هم وجود دارد که این فناوری‌ها تنها مورد استفاده ثروتمندان و افراد باسواد و فرهیخته قرار گیرند. در عوض فناوری‌های متوسط نظیر تلویزیون ماهواره ای، ویدئوکاست‌ها و دستگاه‌های تکثیر ممکن است بیشترین تاثیرات عمیق را بر روی جمعیت توده‌ها داشته باشد (Alterman, 2004: 2).

در سال‌های اخیر رقابت برای دسترسی به مخاطب افزایش یافته است و در هر محیطی برای تامین و پاسخگویی به نیازها و تمایلات مشتریان خود به صورت موثرتر فعال شده‌اند. در گذشته نه چندان دور، خواندن روزنامه و مجله در خاورمیانه توسط ناشران داخلی و حکومت محدود شده بود و بسیاری از آن‌ها توسط دولت‌ها کنترل می‌شدند. اگر چه لبنان و ایران از تنوع مطبوعات برخوردار بودند اما این دو کشور استثنا هستند. روزنامه‌های لبنانی غالباً در پایتخت‌های عربی دیگر در دسترس بودند اما آن‌ها روزها و هفته‌ها بعد از انتشار به دست مردم می‌رسیدند. ملی سازی روزنامه‌های مستقل در دهه ۱۹۶۰ و تاسیس خبرگزاری‌های دولتی در جهان عرب به معنی این بود که روزنامه نگاران در کشورهای عربی در آن دوره اغلب کم و سخنگوی رژیم‌های عربی بودند. به جای مباحث علمی و روشنگری در اخبار روز، رسانه‌های چاپی به تملق‌گویی از رهبران ملی خود می‌پرداختند. جلسات رهبران سیاسی با مقامات عالی رتبه خارجی یک پای ثابت اخبار آن‌ها بوده و هست. اما به ندرت روزنامه‌ها، اطلاعاتی از آنچه در پشت درهای بسته مطرح می‌شد، به مردم ارائه می‌دادند. تا اینکه در سال ۱۹۷۶، یک سرمایه دار سعودی، روزنامه «الشرق الاوسط» را تاسیس کرد. این روزنامه در لندن چاپ می‌شود و در سراسر جهان عرب از طریق فناوری ماهواره شبیه آنچه که توسط یواس ای تودی انجام می‌شود پخش شد. این روزنامه یک گام مهمی را در خلق یک مطبوعات عربی قابل دسترس و صریح عربی در آن سوی دریاها یا خارجی بود. از آن به بعد، روزنامه‌های بین المللی عربی در لندن ظهور یافتند از میان آن‌ها روزنامه «الحیات» بسیار مهم بود. این روزنامه اساساً در لبنان شکل گرفت ولی هم اکنون تحت حمایت سعودی‌هاست. روزنامه مستقل دیگر، روزنامه طرفدار فلسطین یعنی «القدس العربی» است. این روزنامه‌ها اخباری را منتشر می‌کردند که به طور عمومی صحیح بوده و یک انتقاد گزینشی را از دولت‌ها و چهره‌های منطقه ارائه می‌داد. الشرق الاوسط، اساساً یک روزنامه سعودی باقی ماند. حجم عظیم تیراژ انتشار روزانه آن حدود

۲۵۰ هزار بود و در عربستان سعودی انتشار می‌یابد و سردبیر آن هم یک سعودی است. سرمقاله آن بازتاب‌دهنده اندیشه رسمی سعودی بود. اگر چه گاهی اوقات اما اغلب محتوای آن، مفاهیم لیبرال بود. به علت اینکه اغلب مطالب آن در بیرون از عربستان نوشته می‌شود و ویرایش می‌گشت، با این حال این روزنامه از آزادی بیشتری نسبت به روزنامه‌های داخلی و بومی در تحلیل‌های خود از موضوعات جنجالی برخوردار بود. هنوز این روزنامه از انتقاد به رهبران سعودی اجتناب می‌ورزد و از آن‌ها انتقادی ندارد و توافقیانه همکاری گسترده با روزنامه‌ها و روزنامه نگاران برجسته آمریکایی دارد و گاهی اوقات به خاطر انتشار گزارش‌های دیگران در صفحه اول خود به جای استفاده از کارهای گزارشگران خود، مورد انتقاد قرار گرفته است. ظاهراً در میان روزنامه‌های بین‌المللی عربی، الشرق الأوسط پول ساز است و این تاحدودی به علت تشویق و تبلیغ رسمی از آل سعود است و نیز تشویق‌هایی که آل سعود از این روزنامه دارد. شاهزاده احمد بن سلمان، فرزند فرماندار ریاض، مالک اصلی این روزنامه تا سال ۲۰۰۲ بود (Alterman, 2004: 3-5).

روزنامه رقیب الشرق الأوسط، روزنامه «الحیات» است. اگر چه انتشار یا تیراژ جهانی آن‌ها مشابه است اما احتمالاً کمتر از ۱۲۵ هزار نسخه در روز است. این روزنامه از خوانندگان زیادی در بین روشنفکران سراسر جهان عرب و نیز در بین جوامع تبعیدی و خارج نشین عربی در غرب از حمایت برخوردار است و مخاطبان این روزنامه این گروه فوق هستند. الحیات خود را یک روزنامه خاص نخبگان و روشنفکران مطرح کرده است که نه تنها اخبار صحیحی را فراهم می‌کند از ترکیب اخبار و گزارش‌های خبرنگاران محلی و غربی استفاده می‌کند و تعداد زیادی از دیدگاه‌های مختلف را عرضه کرده و هنرها، اشعار و فلسفه را نیز پوشش می‌دهد. این روزنامه تحت مالکیت خالد بن سلطان، فرزند وزیر دفاع عربستان سعودی است. روزنامه‌های دیگر نیز درباره منطقه فعالیت می‌کنند. «القدس العربیه» یک روزنامه مستقل فلسطینی است که هیچ نوع ابزار حمایتی مرئی ندارد. این روزنامه، انتقادی‌ترین گزارش‌ها را درباره عربستان سعودی منتشر می‌کند و ظاهر از طیف وسیعی از یارانه‌های افراد و دولت‌ها برخوردار است. روزنامه «الزمان» نیز توسط وزیر اطلاعات سابق عراق یعنی سعد البزاز و با حمایت آل سعود نیز منتشر شد. العرب نیز توسط وزیر اطلاعات سابق لیبی، احمد صالح الهونی منتشر شد. روزنامه‌های کوچکتر تمایل دارند ایدئولوژیک تر بوده و ضد آمریکایی باشند آن‌ها بر پایه یارانه‌های خاصی اداره می‌شوند. همه روزنامه‌های پان عربی، با هم در روز بیش از ۴۰۰۰۰۰

نسخه فروش دارند در مقایسه با نیویورک تایمز که به‌طور متوسط بیش از ۱ میلیون نسخه انتشار دارد، پی به تفاوت می‌بریم. روزنامه‌های پان عربی دارای پیوند اساسی بین مردم و جوامع عربی خارج نشین لندن، پاریس، نیویورک، واشنگتن و دیگر سرزمین‌هایی که اعراب اقامت دارند برقرار می‌کنند. این روزنامه نماینده و بیانگر نوآوری‌های فکری و آزادی هستند که سخت است در بسیاری از کشورهای عربی آن‌ها را پیدا کنیم. به‌دلیل مخاطبان نسبتاً نخبه آن‌ها، ناشران بین‌المللی از وجود قوانین سانسور در دولت‌های عربی که مایلند محصولات داخلی خود را توسعه دهند سود می‌برند. روزنامه نگاران عربی، صدای روشننگری منطقه را نمایندگی می‌کنند زیرا محققان و رهبران افکار عمومی از سراسر جهان دور هم جمع می‌شوند و درباره موضوعات مشترک در صفحات این روزنامه‌ها با هم بحث می‌کنند. سرانجام، روزنامه‌های بین‌المللی نقش برنامه ریزی و کارگزاری مهمی را برای خاورمیانه ایفا می‌کنند. سر مقالات روزنامه‌ها و مطبوعات عربی و نیز مقالات اساتید و مدیران برجسته منطقه و دانشگاه‌ها بیشتر خوانده می‌شوند. اگر ایده اصلی بدست آوردن پول در جهان عرب باشد بیان آن در مطبوعات عربی مکان خوبی برای شروع است. مطبوعات پان عرب مکان واجتماع خوبی برای بحث درباره ایده‌هایی راجع به منطقه خاورمیانه است، منطقه‌ای که در آن، این انجمن‌ها و اجتماعات کمیاب هستند. لذا مطبوعات نقش مهمی در حیات فکری منطقه از طریق تبادل ایده و نظریات دارند. از آن جا که روزنامه‌های باکیفیت اندکی در منطقه وجود دارد، روزنامه‌ها مکان مناسب و مهمی برای بحث است و همچنان مکان مناسبی برای مباحث سیاسی واجتماعی نخبگان باقی می‌مانند (Alterman, 2004:5-6 & Doran, 2011:2-3).

ب) پیامدهای سیاسی تاثیر رسانه‌ها در شکل‌گیری تحولات منطقه

تغییرات در محیط اطلاعات در خاورمیانه، پیامدهای گسترده‌ای برای جوامع، رژیم‌ها و نیز قدرتهای بزرگ در پی دارد. از جمله انتظارات و توقعات عمومی از دولت و نهادهای منطقه را افزایش می‌دهند. کنترل دولت بر مباحث عمومی و افکار عمومی به‌طور پیوسته دچار کاهش و فرسایش جدی می‌شود. برای بهره بردن و استفاده کردن از این شرایط، بایستی این تغییرات را در پویای سیاسی منطقه‌ای خود پیش‌بینی کرد و تاکتیک‌های خود را برای مدیریت نوسانات افکار عمومی تغییر دهد.

سیاسیون نخبه و سیاست‌های آن‌ها، هنوز، تحت تاثیر تغییرات فنی قرار نگرفته‌اند. سیاسیون منطقه هنوز بر روابط فردی متکی هستند. روابط با افرادی که با رژیم‌های منطقه پیوند دارند. نخبگان سیاسی منطقه تمایل دارند تا در هر حادثه ای پشتیبان و طرفدار رژیم‌ها باشند و این نخبگان برای مدت‌هاست که به منابع جایگزین اطلاعات دسترسی دارند. دولت‌های عربی تمایل دارند این افراد را از طریق رسانه‌های جدید به درون خود جذب کنند. در جهان عرب، تغییرات فنی به معنی این است که آنها در معرض تنوع بسیاری از ایده‌ها و نظریات، نسبت به قبل قرار دارند. از آنجا که پهنای باند و سواد به نحو شدیدی افزایش یافته اند مردم در معرض طیف وسیعی از ایده‌های غیر سازماندهی شده قرار می‌گیرند که محتوایی اعم از سکولار تا مذهبی، ملی‌گرا تا جهانی و مادی و معنوی دارند. تحت الگوی جدید، اطلاعات تقاضا محورند نه عرضه محور و دنیای دیدگاه‌های موجود و قابل دسترس، بسیار بزرگتر و گسترده تر از قبل است.

یک پیامد این وضعیت خودجوشی سیاسی گسترده‌تر می‌باشد. در حالی که سیاست‌ها و مسائل سیاسی اعراب اغلب با نمایش هماهنگی از انسجام، خشم، غم و اندوه و شادی نشان داده می‌شوند اما توانایی رژیم‌های منطقه برای هماهنگ نمودن چنین نمایش‌ها و تظاهراتی در آینده به شدت کاهش می‌یابد. آنچه که ما در حال و آینده، احتمالاً شاهد آن خواهیم بود یک توصیف یا بیان از پایین به بالا درباره شادی و خشم است. رهبران عرب هیچ آگاهی از فوران خشم مردم در اکتبر ۲۰۰۰ نداشتند درست موقعی که تلویزیون‌های ماهواره‌ای به‌طور مکرر صحنه‌ای از یک اسرائیلی را پخش می‌کردند که در حال تیر اندازی به یک پسر ۱۲ ساله فلسطینی به نام محمد الدوره بود. دولت‌های عربی از این خبر بی‌اطلاع بودند. وقتی تظاهرات کنندگان به خیابانها ریختند نه تنها در قاهره بلکه در منطقه خلیج فارس نیز، دولت‌ها مجبور شدند حساسیت‌های مردمی خود را کاهش و آرام کنند. اعتراضات بی‌سابقه‌ای توسط مردم در مارس ۲۰۰۲ در واکنش به تصرف و اشغال مجدد بخش‌هایی از ساحل غربی رود اردن در گرفت که منجر به شکل گیری چند حمله به سفارت آمریکا شد (Bensahel & Byman, 2004: 226).

پیامد دیگر تغییرات فناوری در منطقه این است که الگوهای مصرف در میان مردم عرب به شدت تغییر کرد و به سمت مصرف کالاهای غربی گرایش پیدا نمود. نفوذ رسانه‌ها احتمالاً منجر به افزایش مصرف کالاهای جدید خارجی شده و نیز سبب افزایش تقاضا برای کالاهایی گشته است که قبلاً کالاهای لوکس در نظر گرفته شده بودند مثل وسایل برقی، وسایل زیبایی و

بهداشتی و غذاهای بسته‌بندی شده. هزینه‌های تفریح و سرگرمی به شدت نیز افزایش یافت. زیرا مردم خاورمیانه در معرض بیشتر محیط‌ها و جاذبه‌های مختلف قرار گرفته و سفر مستمر و فزاینده منجر به تقاضای بیشتر برای کالاها و محصولات دارای مجوز و ثبت شده می‌شود. زمینه جعل نسخه‌هایی از هر یک از کالاها را فراهم می‌کند و همچنین چنین تغییراتی منجر به واکنش شدید و درخواست اصالت کالاها می‌شود. بسیاری از مردم در جهان عرب، قبلاً معتقد بودند که سبک و شیوه زندگی آن‌ها، ارزشها و اخلاق‌های آن‌ها در معرض هجوم ارزش‌ها و فرهنگ غرب از طریق رسانه قرار گرفته است و آن‌ها به احتمال زیاد از همان ابزار برای بیان عقاید و ارزشهای خود برای آنچه که آن‌ها ارزش‌های سنتی می‌نامند استفاده خواهند کرد (Alterman, 2004: 1-2).

در حقیقت، در آینده، پادشاه‌های عظیمی برای کسانی که دارای نوآوری، خلاقیت و ابتکار برای غنیمت شمردن کنترل این گفتمان عمومی دارند وجود دارد. هر چقدر که کنترل افکار عمومی از چنگ دولت‌ها خارج می‌شود کسانی که از قدرت سازماندهی و بسیج کنندگی بیشتر مردم و افکار عمومی برخوردار باشند، محیط بسیار جذاب و گیراتری نسبت به گذشته بدست خواهند آورد. انقلاب اطلاعات، فرصت‌های جدیدی را برای دولت‌ها و گروه‌ها فراهم نموده است افراد و گروه‌هایی که دارای احساس خوبی از مشرب عمومی مردم و حالت عمومی آن‌ها برای بهره‌برداری از این موضوعات دارند و دستورالعمل‌های مستقل از دولت و آمال دولت را نیز ترویج و ارتقاء می‌دهند. گروه‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه از جدیدترین سازمان‌های سیاسی هستند هم در تکنیک‌های سازماندهی‌های خود و هم در تعالی و ارتقای راهبردهای ارتباطی خودشان. در مصر مشهورترین شخص مذهبی یعنی عامر خالد، آموزش و تعلیم مذهبی اندکی دارد. او یک شهرت گسترده دارد زیرا وی به بینندگان خود توصیه می‌کرد و از آن‌ها می‌خواست تا نسبت به معنویت در زندگی روزمره شان حساس باشند.

یکی از آشکارترین نمونه‌هایی که حاکی از اهمیت مفاهیم فرهنگی و رسانه‌ای در شکل‌گیری و جهت‌دهی تحولات جهان دارد خلق انگاره‌های ژئوپلیتیکی در جریان حوادث و تحولات جهانی و منطقه‌ای است. جرج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا کوشید با بهره‌گیری از انگاره‌ها، الفاظ و معنای متناسب با فرهنگ غربی آمریکایی، بر نیاز به تعقیب و بیرون کشاندن تروریست‌ها از مخفیگاه‌های خود در افغانستان تاکید کند. از جمله مباحث قابل توجه، عدم تفاهم درباره چگونگی ذهنی‌سازی و منطقی جلوه دادن تهدید تروریستی پیش روی

ایالات متحده و منافع آن در سراسر جهان بود. رسانه‌ها و صاحب نظران و مفسران سیاسی آمریکایی با ترسیم ایالات متحده، به‌عنوان کشوری متمدن که از دموکراسی و آزادی بهره‌مند است، در حقیقت می‌کوشیدند دولت‌ها و ملت‌های جهان اسلام و به زعم آمریکا، دولت‌های حامی تروریسم را عده‌ای غیرمتمدن خطاب کند. رسانه‌های آمریکایی، خاورمیانه و چند کشور مهم منطقه را غیر متمدن و در مقایسه با غرب، بسیار عقب افتاده ترسیم کردند. اینها موضوعاتی توهین آمیز و بدون شک مشاجره آمیز است و صلح و امنیت بین‌المللی را با خطر جدی مواجه نمود. افراطی‌ترین چنین اظهاراتی توسط سیلویو برلوسکونی، نخست وزیر وقت ایتالیا صورت گرفت. وی ادعا می‌کرد که جهان غرب باید ملت‌های جدیدی را فتح و با فرهنگ و تمدن غربی آشنا نماید. البته این گفته وی به معنی نابودی و انحلال دولت‌های مسلمان بود. آمریکا با بکاربردن انگاره‌هایی مثل عملیات عدالت نهایی تحت هدایت خود به خاورمیانه و شمال آفریقا حمله ور شده است ولی به بهانه مهار تروریسم و مقابله با افراطی‌گری این انگاره را ساخته و عملیات خود را توجیه کرده است. البته با ایستادگی مسلمانان و فشارهای افکار عمومی جهان نام این عملیات بعدها به عملیات آزادی جاودان تغییر یافت. لذا نمونه‌های فوق حاکی از اهمیت سیاسی انگاره‌ها و مفاهیم فرهنگی در رسانه‌ها و محافل سیاسی و تصمیم ساز جهان دارد (جونز، ۱۳۸۶: ۸۸-۸۷).

مهمترین پیامد انقلاب اطلاعات برای دولت‌های عرب این است که برخی از مزایا یا امتیازات سنتی آن‌ها در حوزه عمومی را از دست آن‌ها خارج می‌کند. در حالی که دولت‌ها همچنان به‌عنوان نیروی قدرتمند در اغلب کشورها باقی می‌مانند، انقلاب اطلاعات چالش‌های جدیدی برای سلطه و اقتدار دولت‌ها ایجاد کرده و حوزه وسیع‌تری از فعالیت را از کنترل دولت، نفوذ و حتی دانش و آگاهی دولت خارج می‌کند. دولت‌های خاورمیانه انحصار اطلاعاتی را که قبلاً برای بهره‌مندی از انواع مختلف اطلاعات داشتند را از دست می‌دهند و در نتیجه، آن‌ها توانایی اندکی برای هدایت سیاست‌های داخلی خود خواهند داشت. وزرای اطلاعات دولت‌های خاورمیانه باید راهبردهای جدیدی را برای انطباق با محیط جدید خلق کنند. پیامد مهم دیگر تغییرات تکنولوژیکی این است که افراد تبعیدشده و پناهنده، نقش مهم و بسیار جدی تری را در سیاست‌های داخلی نسبت به قبل بازی می‌کنند. همانطور که امام خمینی (ره) و حامیان وی قادر بودند تا پیامشان را در ایران در دهه ۱۹۷۰ از طریق نوار کاست به گوش مردم ایران برسانند، رهبران در تبعید و خارج نشین، از خیابان‌ها و معبرهای پیوندی و ترکیبی برای نفوذ بر

سیاست‌ها در داخل کشور خود و فعالیت در زمان واقعی استفاده می‌کنند. فعالان سیاسی نیز امروز دسترسی راحت و آسان به اینترنت، فکس، تلویزیون‌های ماهواره‌ای، ویدئوکاست‌ها و عکاسان دارند (Bensahel & Byman, 2004: 228).

لندن به کانون و مرکزی برای جنبش‌های اپوزیسیون دولت‌های خاورمیانه تبدیل شده است. لندن توانسته محیط سیاسی مجاز و مکفی، به لحاظ زیرساخت‌ها و فرصت‌های آموزش فنی، دسترسی به نهادها و آژانس‌های خبری غربی و عملیات مهم توسط همه خبرگزاری‌های منطقه‌ای را برای گروه‌های اپوزیسیون دولت‌های خاورمیانه فراهم کند. سازمان‌های اپوزیسیون مهمی نظیر جنبش آزادی بخش بحرین، کمیته دفاع از حقوق مشروع در عربستان سعودی، کنگره ملی عراق، عفو بین‌الملل و موسسه الخوئی در لندن تاسیس شدند که این به همه اپوزیسیون خارج نشین خاورمیانه اجازه داده تا بر تحولات سیاسی در خاورمیانه نظارت کنند و تاثیر داشته باشند. آنچه همه این‌ها معنی می‌دهد این است که دولت‌های عرب می‌توانند کمتر از این فرایند بهره ببرند. در حالی که آن‌ها قبلاً قادر بودند تا به صورت مناسب و درست کنترل سخت و دقیقی بر فضای سیاسی در کشور خود داشته باشند. اما هم اکنون آن‌ها با رقابت شدیدی در بخش‌های مختلف روبه رو شده‌اند. در نتیجه، آن‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند تا انعطاف‌پذیرتر شوند. زیرا کمتر قادر به کنترل حساسیت عمومی مردم هستند. لذا آن‌ها پاسخگو تر می‌شوند. بدیهی است که دموکراسی‌های انتخاباتی در جهان عرب به علت همین فناوری اطلاعات شکوفا خواهند شد. در حقیقت، دولت‌های برخی از کشورهای خاورمیانه ممکن است در برخی زمینه‌ها تمامیت خواه تر شوند خصوصاً نسبت به کسانی که به دنبال استفاده از خشونت برای نابودی آنها هستند. اما دولت‌ها در برخورد با افکار عمومی خود دقت و احتیاط بیشتری به خرج خواهند داد. و آن‌ها به دنبال یکپارچه‌سازی نفوذ خود از پایین به بالا هستند جایی که امکان جلوگیری از فشار از پایین برای جلوگیری از صدمه زدن به سیستم سیاسی وجود دارد (Bensahel & Byman, 2004: 229).

یک مثال بارز از این وضعیت، انفعال دولت مصر در رویارویی با تلاش‌های برخی از روحانیون برای اسلامی‌سازی جامعه مصر و سانسور دیدگاه‌ها و نظرات مخالف بود. وقتی دانشجویان مذهبی از تجدید چاپ یک رمان یا داستان اعتراض نمودند دولت در اولین فرصت، از این اعتراضات برای سرکوب حزب اسلامی کار استفاده کرد اما بعدها افراد و مقاماتی را که به تجدید چاپ این رمان یا داستان مجوز داده بودند را اخراج نمود. سرانجام اینکه دولت‌های عرب

در معرض فشارهای فزاینده برای ارائه کالاهای اقتصادی به جمعیت فراوان خود قرار دارند. وقتی کشورهای منطقه در معرض رسانه‌های بین‌المللی و نیز تبلیغات آن‌ها قرار می‌گیرند، باعث می‌شود تا بسیاری از مردم در کشورهای عربی، تقاضای زندگی با استانداردهای بهتر را بیشتر گذشته از دولت‌های خود طلب کنند. وقتی تلویزیون‌های ماهواره‌ای و ویدئوکاست‌ها، نمونه‌های روشنی از رفاه مادی و ثروت مادی را نشان می‌دهند در آن صورت، اعراب به شدت دولت‌های خود را مورد سرزنش قرار داده و خواهند که اگر جهان هر روز در حال ثروتمند تر و مکان بهتر برای زندگی می‌شود پس چرا جهان عرب و مردم عرب از چنین امکانی برخوردار نیستند. در کوتاه مدت، تغییرات تکنولوژیکی غیر محتمل است که منجر به بازسازی الگوهای حکومت داری اعراب شود. تمامیت خواهی در منطقه برای دهه‌هاست که سلطه پیدا کرده است. به علت تحولات تکنولوژیکی، دولت‌ها بسیاری از ابزارها که قبلاً به کمک آن افکار عمومی خود را هدایت می‌کردند از دست دادند. دولت‌ها هنوز بخش اعظم قدرت را در عرصه و حوزه عمومی در اختیار دارند اما آن‌ها توانایی کمتری برای تعیین و تعریف آنچه که در حوزه عمومی اتفاق افتاده است را دارند. در رویارویی با این نوع چالش، دولت‌های حاشیه خلیج فارس در وضعیت بهتری نسبت به دولت‌های واقع در منطقه شامات و شمال آفریقا دارند. در این منطقه، دولت‌های منطقه و به خصوص فقیرتر با چالش‌های جدیدی روبه رو شده‌اند. آن‌ها فاقد توانایی برای همکاری و کنترل شهروندان خود از طریق پول هستند (کاری که عربستان، قطر و کویت می‌کنند). آن‌ها کنترل محیط رسانه را از دست دادند و توانایی خود را هر روز از دست می‌دهند. برخی از رژیم‌های منطقه ممکن است از طریق واگذاری فضای عمومی به شنیدن و برجسته کردن صداهایی که ضرورتاً تهدیدی برای این رژیم‌ها نیستند به این چالش واکنش نشان دهند و تا حدودی از شدت این چالش بکاهند. چنین حرکتی می‌تواند یک بحث داغ و شلوغی را بین سکولارها و اسلام‌گراها دامن زند و آغاز کند در حالی که این دولت‌ها همچنان با تمام قدرت مانع ایجاد تغییرات دموکراتیک می‌شوند. به علاوه، رژیم‌هایی که در گذشته کمتر به سرکوب متکی بودند احساس کنند که مجبورند از سرکوب بیشتر استفاده کنند و خصوصاً در برابر گروه‌هایی که می‌توانند به‌طور بالقوه قدرت و حفظ قدرت آن‌ها را تحت تاثیر قرار دهند با قدرت و به سرعت وارد عمل شوند. در این سناریو، رژیم‌های عربی ممکن است به اقدامات خشن بر علیه گروه‌ها و افرادی که به ارائه جایگزین برای وضعیت موجود می‌پردازند متوسل شوند (Doran, 2011:1-3).

در خاورمیانه عربی، انتقاد از حاکمان خطرناک است و هزینه دارد. به عنوان مثال، مورد سعدالدین ابراهیم، فعال حقوق بشری و دانشگاهی سابق مصر، کسی که در سال ۲۰۰۰ زندانی شد را در نظر بگیرید. فعالیت‌های ابراهیم، مقامات تمایت خواه و مستبد مصر را رنجاند. اما وی در ابتدا به عنوان دوست خانم مبارک، از تعقیب و بازداشت تا مدت‌ها مصون ماند تا اینکه یک لطیفه‌ای از وی درباره دولت مبارک منتشر شد. وی در حالی که در یک باشگاه اجتماعی در حال استراحت بود به مسخره کردن حاکم مصر پرداخت. شخصی در آن باشگاه گفتگوهای وی با دوستانش را ضبط کرد و نوار آن را مستقیماً به مبارک داد. رئیس دولت مصر به شدت خشمگین شد و پلیس مخفی را مسئول دستگیری و زندانی کردن او نمود، جایی که از مراقبت‌های پزشکی کافی محروم شد. سلامتی اش مورد آسیب قرار گرفت و دچار بیماری شد. سه سال بعد او با سلامت روحی از زندان آزاد شد اما بدنش شکسته بود.

سعدالدین ابراهیم خوش شانس بود. چون او به لحاظ سیاسی با برخی از اعضای حکومت در ارتباط بود، در خارج از کشور مشهور و مورد حمایت آمریکا بود. لذا وی جانش حفظ شد. اما تعداد بیشماری از مردم مصر نظیر خالد سعید یک جوان ۲۸ ساله از اسکندریه سرنوشت مشابه و خوبی نداشتند. کسی که توسط نیروهای امنیتی مبارک در یک کافی نت دستگیر و در جلوی همان کافی نت آویزان شد و آنقدر مورد ضرب و شتم قرار گرفت تا جان سپرد. تصاویر منتشر شده در اینترنت درباره وی، بسیار دردناک بود. تصاویر نشان می‌دهد که دندان‌ش شکسته و از گوش‌هایش خون می‌چکد و این حکایت نفرت انگیز و مخوفی از درد را به ما می‌نماید.

در کشورهای عربی که حتی یک انتقاد ملایم از حکومت می‌تواند منجر به مجازات سنگین شود، فعالیت آنلاین در عمل به جبران نبود نهادهای سیاسی مشارکتی کمک می‌کند. اعتراض سایبری هیچ بدیلی برای مخالفت ندارد. قطعاً منجر به ایجاد یک حیات سیاسی آزادتر می‌شود، تشکیل یک فرهنگ اپوزیسیون را تسهیل می‌کند. به واسطه وجود امنیت نسبی بر روی اینترنت، ناراضی‌ها و شکایت‌های مردم پخش می‌شود، ائتلاف‌ها و دستورات عملی‌ها یکی می‌شوند و نمادها بسیار گسترش می‌یابند. از این رو، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی فعالیت‌های اینترنتی در مصر و خاورمیانه عربی ایجاد فضای امن نسبی برای بیان مخالفت بر وضعیت و نظم موجود در کشورشان در زمان مبارک بود (Doran, 2011:2-3).

یک مثال بارز از این پدیده در شبکه‌های مجازی، این بود که آن‌ها شعار ما همه خالد سعید هستیم، را انتخاب کرده بودند در روزهایی که هنوز در اینترنت از تصاویر اعدام سعید استفاده

نشده بود، شکنجه و مرگ وی مورد بی‌توجهی تعداد زیادی از اعضای جامعه قرار گرفت. مقامات محلی سعی در مخفی کردن این امر داشتند. رسانه‌های کابلی منطقه نیز درباره این اتفاق نیز ساکت ماندند. اما وائیل قونیم، از اینترنت برای دور زدن این سانسور استفاده کرد. به علاوه، او همچنین به تاثیر قدرت عاطفی و طنین سیاسی ماجرای قتل خالد سعید و انتشار آن بر روی اینترنت پی برد. قونیم که اینکار را با امنیت کامل در امارات متحده عربی و به دور از دسترس پلیس مخفی مصر انجام داد و توانست سعید را به یک نماد مخالفت علیه یک نظام سیاسی مستبد و سرکوبگر تبدیل کند. در اسکندریه و سراسر مصر، معترضین به خیابان‌ها آمدند در حالی که تصویر ایشان را در دست داشتند. با توسل به اینترنت، نمادهای مشابه سرکوب به طور همزمان در بسیاری از کشورهای خاورمیانه به نمایش گذاشته شدند. رسانه‌ها با ایجاد یا تاسیس فرهنگ مخالفت و اپوزیسیون یک معیار و سنجش دیگری از پاسخگویی را در حیات سیاسی اعراب وارد نمودند. حاکمان مستبد منطقه جهان عرب و حاشیه جنوبی خلیج فارس به‌طور کامل با شرکت مردم در امور سیاسی بیگانه‌اند (Doran, 2011:3-4).

زین‌الدین بن علی، رئیس‌جمهور تونس، مهم‌ترین تصویر حیرت‌انگیز از یک دیکتاتور را تولید نمود. این صحنه یا منظره عجیب، در کنار و در پی مرگ محمد بوعزیزی اتفاق افتاد. یک دستفروش که با فداکاری و جانفشانی خود در اواسط دسامبر ۲۰۱۰، برای اولین بار یک موج انقلابی ایجاد کرد که تمام منطقه خاورمیانه را در نوردید. وقتی که بوعزیزی در تخت بیمارستان مرده بود و در بانداژ مثل یک جسد مومیایی پیچیده شده بود، بن علی برای نشان دادن همدردی خود به بالین وی آمد. این ملاقات برنامه ریزی شده و غیرصادقانه و بسیار دیر هنگام بود. یک شب بعد، دیکتاتور تونس مجبور به فرار شد. قبل از ظهور اینترنت، داستان بوعزیزی نمی‌توانست با سرعت و به راحتی به دست جوانان و مردم برسد. در آگوست ۲۰۰۷ یک شبکه یا وبسایت به نام آستروبال، سوء استفاده از اموال عمومی توسط خاندان حاکم تونس را ضبط نمود و نیز صفحات وب را برای تصاویر هواپیمای شخصی جستجو کرد و حرکت‌های آن را در هنگام عبور از اروپا مستند و ثبت نمود. این هواپیما همسر بن علی که مشهور به ولخرجی بود را نشان می‌داد که از مقاصد گرانبه‌ایم خرید و مخصوص طبقه ممتاز، خرید می‌کرد. چندین سال بعد یک پیغام دیپلماتیکی آمریکایی توسط ویکی لیکس منتشر شد که جزئیات زیادی را درباره خریدها و ولخرجی‌های خاندان حاکم بن علی نشان داد. در نتیجه، مردم از داستان محمد بوعزیزی یاد گرفتند و پی بردند که زندگی اشرافی و واسرافکارانه آن‌ها (خاندان

حاکم) مسبب همه مشکلات است و لذا به رویارویی با رژیم بن علی برخاستند. زمانی که اولین تظاهرات شروع شد، اینترنت به توسعه و گسترش اخبار مثل ماده رو به اشتعال و فروزان کمک کرد. در گذشته، اعتراضات هماهنگ در چنین مقیاسی مستلزم سازمان‌دهی سلسله مراتب بود. رسانه‌های اجتماعی نیاز به یک رهبر را حذف کردند و خود به یک رهبر تبدیل شدند. در سال ۲۰۰۲، در کتاب بمب هوشمند برای اولین بار این ایده را مورد بررسی قرار داد که فناوری‌های ارتباطات توده‌ای کاربر محور، گروه‌های فاقد رهبر را قادر می‌سازد تا اقدام جمعی خود را سازماندهی کنند. مفهوم بمب هوشمند برای تبیین اینکه چطور بن علی مجبور شد تا کمتر از یک ماه مجبور به فرار شود (بعد از مرگ و جانفشانی بوعزیزی). پلیس مخفی دیکتاتور تونس آن قدر مشغول جستجوی سازمان‌های برانداز بود که نتوانست درک کند که خطرناک‌ترین شبکه‌های اپوزیسیون در واقع فاقد رهبر و سازمان هستند. بن‌علی با هواپیما مجبور به فرار شد قبل از اینکه بتواند تشخیص دهد که دشمن حقیقی‌اش چه کسی است. از تونس این بمب هوشمند به تمام منطقه سرایت نمود و بوعزیزی دائماً به سمبل عرب تبدیل شد. به همین دلیل در اواسط مارس، غازان ابود، مالک تلویزیون شرق، شکرگزاری خود را به خاطر این شهید تونس‌سی اعلام نمود. اگر چه این شبکه تلویزیونی در امارات متحده عربی دارای کانون فرماندهی و اتاق فرمان بود اما در سوریه پخش می‌شد. اینترنت سبب شد بوعزیزی در تمام جهان مشهور شود و همچنین سبب تشدید آگاهی‌ها از بهار عربی، خصوصاً در غرب شد. در نتیجه، رژیم‌های تمامیت خواه در معرض بررسی و موشکافی دقیق قرار گرفتند (Doran, 2011:4-7).

نتیجه‌گیری

در فهم بیداری اسلامی، می‌توان گفت که علت‌ها همان شرایط و وقایع بیرونی به‌ویژه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی هستند. کارگزاران عبارتند از انسان‌های که برای وقوع تغییر تلاش می‌کنند و ابزار، هر وسیله‌ای است که در این مسیر به کار گرفته می‌شود. در واقع بین بیداری اسلامی و فناوری‌های جدید ارتباطی، رابطه علیت وجود ندارد. فناوری‌ها و رسانه‌ها ابزاری هستند که تحت شرایط وجود علل و زمینه‌های دیگر، به مثابه تسریع و تقویت کننده در خدمت اهداف کارگزاران خواهد بود. این همان نقش و جایگاه فناوری اطلاعاتی - ارتباطی در شکل‌گیری بیداری اسلامی است.

آیا اینترنت و رسانه‌ها را باید به‌عنوان یک ابزار آزادی بخش بزرگ تلقی کرد؟ بیداری اسلامی را باید اولین قدم مهم به سمت جاده ای ببینیم که به‌طور مستقیم منجر به عدالت، آزادی و مردم سالاری دینی می‌شود. البته تفاسیر بسیاری درباره بیدار اسلامی یا بهار عربی وجود دارد. این موج انقلابی، بدون شک، یک گام برای عقب نشانیدن دیکتاتورهای عربی است. قدرت کلان ناپایداری‌ساز رسانه، قدرت خود را از نوبودن و ناآشنا بودن و از ماهیت دموکراتیزه سازی ذاتی آن گرفته است. این رژیم‌های عربی ممکن است یاد بگیرند که چطوری خطرات دنیای دیجیتال یا مجازی را کاهش دهند.

در حقیقت محدودیت‌های بمب هوشمند از قبل روشن است. اینترنت می‌تواند فعالیت سازمانهای پرشور را تسهیل کند اما آن جایگزین کاملی برای مردم و اقدامات آنها نیست و تغییرات سیاسی ماندگار مستلزم اقدام خود مردم است. در مصر معترضان موفق شدند زیرا آنها توانستند میدان التحریر را اشغال کنند و نبرد و مبارزه خود را به یک مشاجره و دعوایی تغییر دهند که در پیش چشم تمام جهانیان بر روی صحنه رفت. یکی از دلایل اولیه و اصلی که بسیاری از مردم به میدان التحریر آمدند این بود که رژیم مبارک دسترسی به اینترنت را ممنوع نمود- از همان ابتدای اعتراضات- و جوانان را از دسترسی به جریان آزاد اطلاعات محروم کرد. علاوه بر اینترنت و شبکه‌های مجازی، برای انقلابیون عربی، نفوذ رسانه‌های سنتی نظیر کانالهای ماهواره ای منطقه ای نظیر الجزیره، العربیه و شبکه‌های خارجی به معترضان پوشش کامل خبری دادند.

تاثیر رسانه بر خاورمیانه و شمال آفریقا به گونه ای خواهد بود که همچنان ملتهب و خبرساز باقی می‌ماند. همچنین خیزش‌های کنونی در خاورمیانه و شمال آفریقا، ضمن ریشه داشتن در مسائل و معضلات عدیده ایدئولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سرکوب شده از سوی حاکمان دیکتاتور عربی، برگرفته از بنیادهای عمیق ارزشی و اعتقادی منشعب از تفکر و اصول ومبانی اسلامی است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- بورن، آدر (۱۳۷۹). *بعد فرهنگی ارتباطات برای توسعه*، ترجمه مهر سیما فلسفی، چاپ اول. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- تامپسون، جان (۱۳۸۰). *رسانه‌ها ومدرنیت*، ترجمه مسعود اوحدی. تهران: انتشارات سروش.
- جونز، مارتین (۱۳۸۶). *مقدمه ای بر جغرافیای سیاسی*، چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، چاپ اول، مشهد: انتشارات پاپلی (پژوهشکده امیر کبیر).
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *اقتصاد، جامعه و فرهنگ در عصر اطلاعات*، جلد اول، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: انتشارات طرح نو.
- گینبر، جان (۱۳۸۱). *سیاست پست مدرنیت*، ترجمه منصور انصاری، چاپ اول. تهران: انتشارات گام نو.
- لال، جیمز (۱۳۷۹). *رسانه‌ها، ارتباطات، فرهنگ رهیافتی جهانی*، ترجمه مجید نکودوست. تهران: انتشارات موسسه ایران.

ب) منابع انگلیسی

- Alterman, Jon B. (2004). *The Information Revolution & The Middle East*, CSIS, Washington, DC: Rand Corporation. 1-20.
- Doran, Michael, S. (2011). **The Impact of New Media: The Revolution Will Be Tweeted**, USA, Brookings Institution.
- [http://goftomanedini.com/showthread.php?t=\(2531\)](http://goftomanedini.com/showthread.php?t=(2531))
- International Labour Organization (2006). **Global Employment Trends for Youth**.
- Bensahel, N., & Byman, Daniel L. (2004). **The Future Security Environment in the Middle East: Conflict, Stability, and Political Change**, Santa Monica, Rand.
- Jamal, A. (2009). **The Arab Public Sphere: Media Space and Cultural Resistance**, Indiana University Press.

